



غالب است بایست گفت‌وگو در سمت و سوی همین تمدن باشد. برای انجام این گفت‌وگوها ایران باید توسعه اقتصادی بیش‌تری داشته باشد. برخی از کشورهای خاورمیانه از جمله ایران تمدن‌هایی دارند، ولی این تمدن‌ها باید با قدرت اقتصادی همراه باشند و اکنون که ایران رهبری سازمان کنفرانس اسلامی را بر عهده دارد\* رشد داخلی و اقتصادی برای ایران مهم است.

برای توسعه اقتصادی ایران، می‌توان از تاریخ توسعه ژاپن الگو گرفت. در حدود ۲۰۰ سال یعنی از ۱۶۰۰ تا ۱۸۶۸ دولت «تاکولوا» (یا نامی شبیه آن. م) بر ژاپن حکومت می‌کرد. از دهه ۱۸۶۰ به بعد، درباره باز شدن درهای ژاپن بر روی خارجی‌ها گفت‌وگوهای زیادی شد. در آن زمان که سیاست‌های فرقه‌ای و تعصب‌آمیز حاکم بود، فرقه‌ای می‌گفت ما باید جامعه‌ای باز و با جهان تجارت آزاد داشته باشیم و منافع کشور را در نظر بگیریم. از طرفی فرقه دیگری می‌گفت جامعه باید بسته بماند. در تمام ژاپن این بحث و گفت‌وگوها می‌شد و سرانجام سامورایی‌ها برای انجام تجارت گسترده‌تر مذاکراتی کردند و در پایان حادثه جالبی رخ داد و خارجی‌ها برای مذاکرات تجاری وارد ژاپن شدند و سرانجام دولت ژاپن تصمیم گرفت جامعه را باز کند.

در آن دوره ژاپن نتوانست حقوق قانونی خود را بر خارجی‌ها حاکم کند؛ مثلاً اگر یک خارجی مرتکب جنایتی می‌شد ما نمی‌توانستیم او را مجازات کنیم چون ژاپنی‌ها سلطه‌ای بر خارجی‌ها نداشتند. پس از باز شدن جامعه ژاپن در سال ۱۸۶۸ پس از ۳۰ تا ۴۰ سال کشور ما توانست این

نوع پیمان‌ها و قراردادهای لغو کند. *سازمان همکاری‌های اقتصادی آسیا-پاسفیک* افراد زیادی به اروپا و آمریکا فرستاده شدند از کارشناسان و متخصصان زیادی دعوت کردیم

به ژاپن بیایند. نظر کارشناسان این بود که ژاپن باید صنایع سنگین فلزی داشته باشد و ما توسعه متوسطی داشتیم. ژاپن از نظر اقتصادی رشد کرد ولی در جنگ دوم جهانی به طور کامل شکست خورد و ما ناچار شدیم دوباره جامعه را باز کنیم. پس از بمباران هیروشیما و ناکازاکی، چیزی از آن دو شهر باقی نماند و حتی پیش‌بینی می‌شد تا ۵۰ یا ۱۰۰ سال آینده درختی هم در آن‌ها کاشته نشود چون همه چیز از بین رفته بود، پیشرفتی در کار نبود ولی ما در دهه دوم بعد از جنگ

\* در زمان گفت‌وگو، ایران ریاست سازمان کنفرانس اسلامی را بر عهده داشت.



رشد کردیم. واقعاً کار مهمی انجام داده بودیم. من می‌پندارم در ایران هم همین‌طور است و پیشرفت‌های خوبی به دست آمده است. دیروز در روزنامه خواندم میزان بی‌سوادی در ۲۰ سال قبل ۴۷ درصد بود ولی اکنون به ۲۰ درصد کاهش یافته است. رسیدن به میزان ۸۰ درصد با سوادی دستاورد خوبی است. این کشور بالقوه توانمند است و برای رسیدن به توسعه اقتصادی عمل خیلی مهم است.

دومین عاملی که باعث پیشرفت اقتصادی ژاپن شد، وفاداری افراد به خانواده و به شرکتی است که در آن کار می‌کنند و نیز وفاداری به کشور است. افراد باور داشتند که باید به سختی کار کنند و از مزایای مادی و زندگی همراه با تحمل بهره‌مند شوند. در این مورد ژاپن با جامعه غربی تفاوت دارد. ما در ژاپن عقیده داریم که باید برای خانواده خود، شرکت خود و کشور خود سخت کار کرد. این عوامل در رشد اقتصادی اثر می‌گذارد.

عامل دیگر سرمایه‌گذاری خارجی است. جامعه ژاپن، سرمایه‌گذاری خارجی را در درازمدت و نه کوتاه‌مدت پذیرفته است. قبل از داشتن سرمایه‌گذاری، از افراد تحصیل کرده و حرفه‌ای دعوت کردیم تا ببینیم چه نوع نظام بانکی باید داشته باشیم. شرکت‌های زیادی از اروپا و آمریکا در ژاپن سرمایه‌گذاری کردند و به همین دلیل اقتصاد ژاپن رشد کرد.

ایران در مناطق آزاد تجاری کارهایی می‌کند و این کارها مهم هستند. وقتی دیروز در روزنامه‌ها خواندم که دولت ایران برای سرمایه‌گذاری خارجی تضمین داده است و تصمیم گرفته بودجه‌ای را به آن اختصاص دهد، خیلی خوشحال شدم.

شرکت‌های ژاپنی در چین سرمایه‌گذاری‌های زیادی کرده‌اند و چون این کار با ارز ژاپن (ین) انجام می‌شود برای شرکت‌های ژاپنی خیلی مفید است اما شرکت‌هایی از ژاپن که در ایران سرمایه‌گذاری می‌کنند چون قیمت ارزهای خارجی کاهش یافته است باید این خطر را پذیرا باشند. بنابراین اگر بازار ایران کمی مطلوب‌تر شود، شاید شرکت‌های خارجی تمایل بیشتری به سرمایه‌گذاری داشته باشند. مهم این است که وضعیت مطلوب باشد.

تحریم‌های اقتصادی آمریکا علیه ایران باعث شده است که ایران نتواند سرمایه‌های خارجی زیادی را جذب کند. مثلاً وقتی به قرارداد «توتال» فرانسه نگاه کنیم، خواهیم دید که آمریکا حتی قانون «داماتو» را به سایر کشورها تحمیل کرده است. گرچه برخی شرکت‌ها در فرانسه و آلمان

این قانون را نادیده گرفته و به سرمایه‌گذاری تصمیم گرفته‌اند.

○ گفت‌مان: به نظر شما آیا می‌توان گفت باید ابتدا کشورها گفت‌وگو کنند تا بعد تمدن‌ها بتوانند گفت‌وگو کنند.

○ استاد ژاپنی: گفت‌وگو بین کشورها مثلاً گفت‌وگو بین ایران و آمریکا یا ایران و سایر کشورها لازم است. گفت‌وگو خوب است ولی ضروری و حتمی نیست. به نظر من مهم این است که بین کشورها، توسعه سیاسی به وجود بیاید تا بتوانند شریک گفت‌وگو باشند.

○ گفت‌مان: آیا بدون انجام گفت‌وگو بین کشورها، گفت‌وگو بین تمدن‌ها ممکن است؟ مثلاً گفت‌وگوی بین تمدن غرب و شرق یا گفت‌وگو با تمدن اسرائیل چگونه ممکن است؟

○ استاد ژاپنی: من نمی‌گویم ایران فقط تمدن خود را مطرح کند ما باید وجه مشترک بین تمدن‌ها را در نظر بگیریم. مثلاً تمدن اسلامی را می‌توان مطرح کرد چون ایران می‌تواند عضوی از این تمدن باشد. اگر شما درباره تمدن غرب صحبت می‌کنید به خاطر جهانی بودن امروزه آن است. مثلاً گفته می‌شود این اسلام است و این بقیه شرق است.

پنج روز قبل آقای لاریجانی در مصاحبه‌ای در پاسخ به این سؤال که «نظر شما درباره روابط آمریکا و ایران در آینده چیست؟» گفت: «ما نباید فکر کنیم همه آمریکایی‌ها با ایران و اسلام دشمنی دارند. آمریکایی‌های زیادی هستند که به ایران نگرش مثبتی دارند. بنابراین امکان دارد که زمینه گفت‌وگوی مشابهی وجود داشته باشد» من با ایشان موافقم. اگر شما فکر کنید که این اسلام است و آن غرب است، به نظر من از بعضی واقعیت‌ها غفلت کرده‌اید. به طور مثال جامعه اسلامی در همه جا هست. اگر شما به لس‌آنجلس بروید تعدادی ایرانی خواهید دید که کارت سبز دارند و برخی از آن‌ها شهروند آمریکایی شده‌اند. نمی‌توانید بگویید که همه آمریکایی‌ها دشمن ایران هستند. این وضع در جامعه اروپا هم هست.

در روابط بین‌المللی وجوه مشترکی مثل کلیسای کاتولیک، اسلام، صلیب سرخ و... عواملی



هستند که از مرزها فراتر رفته‌اند. بنابراین می‌توان گفت‌وگوی بین تمدن‌ها را گسترش داد. گفت‌وگوی کشور به کشور نوعی کار دیپلماتیک است. ما می‌توانیم بر چهره‌ها در کشورهای مختلف متکی شویم. خانم «مهرانگیز کار» را در آکسفورد ملاقات کردم، در انجمن انگلیسی «مطالعات و بررسی‌های خاورمیانه»، با او دربارهٔ زنان ایران گفت‌وگو کردم. این خود نوعی گفت‌وگو بود. وقتی «پروفسور ساری یوگارام» (یا نامی شبیه آن. م) دربارهٔ اهمیت انقلاب اسلامی در ایران صحبت می‌کرد حدود ۲۰۰ نفر پای صحبت‌های او در کنفرانس حضور داشتند. این هم نوعی گفت‌وگو است. ما نباید فکر کنیم که حتماً کشور به کشور و دولت به دولت در سطح دیپلماتیک و یا سیاسی گفت‌وگو شود. افراد و چهره‌ها می‌توانند عامل باشند، سازمان‌ها می‌توانند عامل باشند؛ شاید این نوعی دگرگونی و حرکت است. شاید جامعهٔ مدنی باشد.

○ گفتمان: بنابراین شما معتقدید امکان گفت‌وگو بین تمدن‌ها هست؟

○ استاد ژاپنی: بله، اگر بخواهید بدانید که جامعهٔ مدنی چگونه در غرب پیدا شد باید گفت به کمک دولت بود.

○ گفتمان: فکر می‌کنید این امکان وجود دارد که ما دربارهٔ اصطلاح تمدن اسلام و تمدن غرب صحبت کنیم؟ یعنی نوعی مذاکره و گفت‌وگو و شنود بین این دو تمدن بشود؟ ما سعی می‌کنیم نظریه‌هایی را در مقابل تئوری «هانتینگتون» ارائه دهیم. تئوری «هانتینگتون» که نوعی بررسی تمدن‌هاست می‌گوید در آینده در بین تمدن‌ها درگیری خواهیم داشت. البته بستگی به ما دارد که این نظر را آزمایش کنیم و ببینیم عملاً امکان‌پذیر هست یا نه. شاید ممکن نباشد که ما تئوری گفت‌وگوی تمدن‌ها را با هانتینگتون همانند کنیم، فقط می‌توانیم به کشورهای مختلف پیشنهاد کنیم بیاید گفت‌وگو کنید، نه این‌که درگیر شوید. این فقط نصیحت است و یک تئوری نیست.

○ استاد ژاپنی: من دو هفته قبل در کنفرانس مربوط به گفت‌وگوی تمدن‌ها شرکت کردم. کتاب «هانتینگتون» را با کتاب (اسم کتاب نامفهوم. م) مقایسه کردم، شباهت‌هایی یافتیم. اما یک فرق

داشت: این‌که «هائیتینگتون» نوعی موضع دفاعی نسبت به برتری آمریکا دارد. «هائیتینگتون» از آمریکا و «خاتمی» از ایران است، آمریکا در وضعیت و موضع برتر و ایران در موضع ضعیف‌تری قرار دارد. اگر کتاب هائیتینگتون را بخوانید او معتقد است که آمریکا باید برتری خود را حفظ کند. او می‌گوید روابط اسلام و چین می‌تواند تهدیدی به حساب آید و ممکن است باعث بروز جنگ‌هایی شود که برای صلح جهانی خطرناک است. او می‌گوید آمریکا باید قدرت منحصر به فرد باقی بماند و باید از این ارتباط (بین اسلام و چین) جلوگیری کنیم. او معتقد است این رابطه بحران پدید می‌آورد. ولی وقتی او از موقعیت آمریکا دفاع می‌کند مردم فکر می‌کنند آمریکا یک ابرقدرت و یک مهاجم است و به طور تهاجم‌آمیزی به سایر کشورها حمله می‌کند، اما نظریه هائیتینگتون این است که آمریکا در حالت دفاعی است و نه حالت تهاجمی. از طرف دیگر خاتمی می‌گوید همه تمدن‌ها باید طلوع کنند. تمدن‌ها می‌توانند خواسته‌های مردم را برآورده کنند. تمدن اسلام می‌تواند سر بلند کند و انسانیت را ارتقا بخشد، این نظر خاتمی است. و بنابراین نظر خاتمی این است که اصطلاح تمدن اسلامی است که می‌تواند نیازها و خواسته‌های مردم را برآورده کند. خاتمی خیلی علاقمند است که در این کشور این رژیم بتواند نیازهای مردم را برآورده کند و این به سیاست ایران مربوط است. البته این علاقمندی درباره سایر کشورها هم صدق می‌کند. ما نمی‌توانیم تضمین کنیم که یک تمدن همیشه برتر و غالب بماند. درباره تاریخ دوپست‌ساله ژاپن صحبت کردم. ژاپن یک راه بسته به حساب می‌آید چون یک جزیره است ولی جامعه بسته نماند ما با سایر فرهنگ‌ها مبادله اطلاعات داریم. مبادله اطلاعات خود می‌تواند پایه‌ای برای گفت‌وگوها باشد. مرکز اسلامی آمریکا، همه‌چیز درباره ایران را دارد. من در ژاپن همه‌روزه روزنامه همشهری را می‌خوانم. در غرب هم مرکز فرهنگی اسلامی هست که همه‌چیز درباره ایران دارد. اگر دانشگاه تهران یا این مراکز ارتباط داشته باشد، می‌تواند با یک خط تلفن از پیشرفت تکنولوژی علمی استفاده کند. این تکنولوژی به گفت‌وگو بین تمدن‌ها و فرهنگ‌های مختلف و ارتباط افراد با سوابق مختلف اهمیت زیادی می‌بخشد.

○ **گفتمان:** شاید بتوانیم یک مبنای عقلانی برای این فکر پیدا کنیم اما تا حالا که سیاسی بوده است.



○ استاد ژاپنی: به نظر من باید فرهنگ‌های مختلف و جامعه‌های مختلف را درک کنیم. ما معیارهای متفاوتی داریم، ابزارهای مختلفی برای قضاوت داریم. مردم درباره تساوی، درباره شخصیت انسانی حرف می‌زنند. باید دید، شخصیت انسانی در ایران و در ژاپن چه مفهومی دارد و در آمریکا چه مفهومی دارد. شخصیت انسانی از نظر تاریخی و سنتی چه مفهومی دارد. ما می‌بینیم افراد، فکرهای مشابهی دارند ولی هر جامعه‌ای علائق خود را دارد. وقتی ما به جامعه ایران نگاه می‌کنیم نمی‌توانیم معیارهای خودمان را به کار بگیریم. من که عادت دارم جامعه ژاپن را با معیار خاصی تجزیه و تحلیل کنم و برای ارزیابی جامعه‌های دیگر باید معیارهای دیگری به کار ببرم. در گفت‌وگوی تمدن‌ها باید درک کنیم که شرکای دیگر در مواضع خود و نه در مواضع من قرار دارند. بنابراین در قوانین ژاپن و ایران و یا هر قانون دیگری می‌توانیم زمینه‌های مشترکی پیدا کنیم. مثلاً در قرآن از قبل نظرات مربوط به حقوق بشر بوده و ارزش و مقام انسانیت در آن مطرح بوده است. در انجیل هم همین‌طور، مثلاً گفته شده باید همسایه خود را دوست داشته باشید. بنابراین ما می‌توانیم زمینه‌های مشترک زیادی پیدا کنیم و آن‌ها را مبنای گفت‌وگوها قرار دهیم.

○ گفتمان: آیا شما مقاله‌ای درباره گفت‌وگوی تمدن‌ها ارائه کرده‌اید؟ من به گفت‌وگو با اصطلاح «قدرت» فکر می‌کنم و معتقدم در خارج از روابط قدرتی، گفت‌وگو وجود ندارد. یعنی ارتباطی خارج از چارچوب قدرت وجود ندارد. نمی‌توان فکر کرد که ما بتوانیم گفت‌وگویی برابر و ارتباطی برابر با یکدیگر داشته باشیم. در این میان برخی‌ها دست برتری دارند. آن‌ها نمی‌توانند تصور کنند که ما گفت‌وگوی مساوی داشته باشیم. یعنی نمی‌توان فکر کرد که روابط مساوی و گفت‌وگوی مساوی با یک بر قدرت داشت. در نظریه گفت‌وگوی تمدن‌ها باید درباره قدرت صحبت کنیم. آمریکا در همه ابعاد دست بالاتری دارد. ممکن نیست که بتوان گفت‌وگویی رودررو و مساوی با آمریکا و یا سایر تمدن‌ها داشت.

○ استاد ژاپنی: من نظرات شما را فهمیدم. اولاً شواهد نشان می‌دهد که آمریکا قدرت جهانی است ولی قدرت اتحادیه اروپا نیز از نظر اقتصادی قوی است. اگر به چین نگاه کنید می‌بینید آمریکا در سیاست بین چین و تایوان دخالت می‌کند و شواهد نشان می‌دهد که این بر قدرت

جهانی در قرن دیگر هم الزاماً به وضع خود ادامه می‌دهد. در سال ۲۰۰۰ تغییرات زیادی در سیاست جهانی و اقتصاد جهانی به وجود خواهد آمد. بنابراین فکر می‌کنم ما نباید دربارهٔ برتری آمریکا این چنین بدبین باشیم حتی تصور من این است که از نظر بین‌المللی هم بیش از این که باید، بدبین هستید. اگر شما فقط دربارهٔ روابط دیپلماتیک بین ایران و عراق صحبت کنید ممکن است وقت زیادی بگیری و ولی در چارچوب کشورهای آسیایی و «اوپک» می‌توان ساده‌تر صحبت کرد.

من فکر می‌کنم ایران باید پیش‌تر به روند نوسازی فکر کند.

○ **گفتمان:** اگر ما بخواهیم تعریف خلاصه‌ای از گفت‌وگوری تمدن‌ها داشته باشیم تعریف شما چیست؟

○ **استاد ژاپنی:** سؤال سختی است، فکر می‌کنم هدف نهایی گفت‌وگوری تمدن‌ها، هم‌زیستی همهٔ مردم با هم است. برای همین است که گفت‌وگو داریم.

○ **گفتمان:** آیا شما فکر می‌کنید امکان‌پذیر است؟

○ **استاد ژاپنی:** وظیفهٔ دشواری است اما ممکن است. ولی ما نباید فقط در سطح سیاسی فکر کنیم بلکه باید پیش‌تر در سطح فرهنگی و انسانی فکر کنیم.

○ **گفتمان:** شما فکر می‌کنید قرن دیگر فرهنگی‌تر از این قرن خواهد بود؟

○ **استاد ژاپنی:** نمی‌دانم، خیلی دشوار است باید پیش‌تر فکر کنیم. عواملی دیگری هستند که تعیین‌کننده هستند.